



کینگ کنگ وآرد می شود

فردا در روز تحلیف رئیس جمهور جدید آمریکا، خانواده‌های اوپاما و ترامپ جای شان را در کاخ سفید عوض می‌کنند

تیتراهای امروز

سمک بزنید!

واکنش سخنگوی کاخ سفید به اظهارات روحانی درباره موضع ترامپ علیه توافق هسته‌ای: پرزیدنت اوپاما بارها گفته درباره آنچه دولت بعد می‌کند، هیچ تضمینی به رهبران خارجی نداده است

تداوم رکود در بازار و کاهش شدید سرمایه‌گذاری

آمارها با عینک هم ادعای رونق را تأیید نمی‌کند

عضو کمیسیون برنامه مجلس: ۱۲۰ هزار میلیارد درآمد هدفمندی معلوم نیست کجا هزینه شده؟

درآمد هدفمندی با عینک هم نامعلوم است

دولت به تولید یارانه نداده و پولی از هدفمندی به خزانه واریز نکرده است

رئیس اتاق بازرگانی بین‌المللی چین: منتظریم مشکلات مبادلات بانکی برطرف شود

واکنش چینی‌ها به ماجرای عینک!

رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق: بانک‌های دنیا هنوز برای ایران گشایش‌السی نمی‌کنند

نفس مردم در تهران و شهرهای بزرگ به شماره افتاده است

عینک بزنید ماسک بزنید!



عکس: سهیل صحرانورد، فارس

قصه تکراری آبنبات چوبی

محمد زعیم‌زاده

ناباشد. همین ۱۲-۱۱ سال پیش بود که علی لاریجانی مؤتلف این روزهای دولت در بحث سیاست خارجه درباره عملکرد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای به ریاست جناب آقای روحانی و با حضور محمدجواد ظریف و سایر حضرات جمع‌بندی داده‌ها و ستانده‌های مذاکرات را اینگونه اعلام کرد که «در غلطان دادیم و قول آبنبات چوبی گرفتیم». آن زمان که آقای روحانی مسوول مذاکرات مسائل هسته‌ای ایران بودند از راهایی استفاده می‌کردند که راهای صحیحی برای مذاکره نبود و من مکرراً به آنها درباره عواقب اینگونه مذاکرات هشدار داده بودم و هنوز هم معتقدم در آن زمان «در غلطان را دادیم و آبنبات چوبی گرفتیم». جناب لاریجانی همانجا توضیح داد منظور از در غلطان در آن زمان اندکی اورانیوم غنی شده با غلغای ۳/۵ درصد بود و آبنبات چوبی هم قول تحویل هواپیما! جالب اینجاست که آن زمان که علی لاریجانی داده‌های سعدآباد و تهران دکلریشن را در غلطان خواند نه خبری از غنی‌سازی ۲۰ درصدی بود نه از چنده هزار سانتیفریو، نه از تاسیسات امن فردو و نه از آب سنگین اراک و هر چه هست و بود و حالا سیمانی شده، سایه شهرپاری و علممحمدی و احمدی‌ورشن و رضایی‌نژاد هم بالای سر خانواده‌شان بود. اما آبنبات چوبی همان آبنبات چوبی سابق است. مساله سسوم مساله بازنمایی این اتفاق در رسانه‌هاست، ایرباس A۳۲۱ وارد مهرآباد شد؛ خیلی از مسوولان دولتی جمع شدند و فرود این هواپیما به خاک ایران را جشن گرفتند. از ظرفیت مسافری، طول بدنه، حداکثر سوخت و مزایای دیگر این هواپیما گفتند و خوشحال بودند اما متأسفانه از وزیر راه‌وشهرسازی‌اش و رئیس سازمان انرژی اتمی تصاویری ثبت شد که سال‌ها می‌تواند از فرط ذوق‌زدگی سوزه رسانه‌ها باشد و البته مایه تحقیر و شرمساری.

حتما خرید هواپیما برای ناوگان حمل‌ونقل فرسوده کشور امر مفید و اتفاق خوبی است و اساسا هر گامی از این جنس که برای آسایش و رفاه مردم برداشته شود حتما اقدام مثبتی است و باید از آن حمایت شود، به شرطی که به هر موضوع و هر اقدامی که در این راستا توسط مسوولان و متولیان آن امر انجام می‌شود به اندازه واقعیتش ضریب داد و از کم‌گویی و پرگویی درباره آن پرهیز جدی صورت گیرد. هواپیمای ایرباسی که این روزها وارد سیستم حمل‌ونقل هوایی کشور شد هم از این قاعده مستثنا نیست و باید واقعه به مساله نگاه کرد. در این باره می‌توان به ۳ مساله اشاره کرد. موضوع اول درباره تأثیرات ورود این هواپیما و امثال آن در فضای اقتصادی کشور است. نکته اول این است که حمل‌ونقل هوایی بنا به آمارهای رسمی حتی در ایام عید نوروز که پرمسافرت‌ترین ایام کشور است کمتر از ۵ درصد ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل کشور را پوشش می‌دهد فلذا مساله هواپیما یک مساله عمومی نیست، به فرض تحویل همه ایرباس‌ها در این قرارداد طولانی‌مدت تقریباً نیمی از ناوگان هوایی کشور نوسازی می‌شود که می‌تواند ۲/۵ درصد فضای حمل‌ونقل کشور را اصلاح کند و عملاً فایده‌های برای ۹۷/۵ درصد مردم ندارد و تازه این رقم برای انتهای پروژه است یعنی زمانی که همه ایرباس‌ها تحویل ایران شود و ایران بتواند بنا به قرارداد اجاره به شرط تملیک تمام اقساط آن را تحویل طرف غربی بدهد، از طرف دیگر شاید مهم‌ترین استدلال اقتصادی درباره پروژه هواپیما را شخص رئیس جمهور در گفت‌وگوی تلویزیونی خود مطرح کرد؛ ادعای جلوگیری از خروج سالانه ۴ میلیارد دلار ارز با بکارگیری هواپیماهای جدید. به نظر می‌رسد این استدلال هم خیلی جدی نباشد و اساسا در یک فضای رقابتی تشدید حداقل در منطقه غرب آسیا که رقبای مهمی از کشورهای قطر، امارات و ترکیه در آن حضور دارند چنین امکانی بعید است که دولت بتواند باند فرودگاه‌ها را بر روی هر نوع هواپیمای غیرایرانی ببندد. مساله دوم این است که ورود این هواپیما به کشور برای دولت بیشتر حالت نمادین دارد و احتمالاً تلاش می‌شود به عنوان نمادی از رفح تحریم‌ها و گشایش در فضای اقتصادی کشور طرح شود و به عنوان عایدی برجام اصطلاحا کار دولت را تا انتخابات اردیبهشت ۹۶ راه بیندازد. در اینجا شاید بیان یک نکته تاریخی خالی از لطف

آقای صالحی! دست را باید برای «پرنده‌تر ز مرغان هوایی» تکان داد

حسین قدیانی

رئیس کدام سازمان هستی؟! این غاز را در عوض کوهی سیمان که برجام‌تان وارد قلب راکتور شهرپاری کرد به شما دادند... خیلی هم حالا خوشحال نباش! خوشحال باش از چیز دیگری از پرنده دیگری از ریاستت بر «سازمان انرژی اتمی» «مهرآباد» بی‌مهری کردی به کلاس این سازمان و به شأن شهیدایش... فیلمش هست! برو دوباره خودت را ببین... کاش برای انرژی اتمی هم... کاش می‌دانستی خون شهرپاری خیلی بیشتر از غاز اجارهای می‌ارزد! کاش آن روز به جای «مهرآباد» می‌رفتی «اراک» اصلاحی‌رفتی سر خاک شهرپاری... و فاتحه می‌خواندی برای همه حقوقدان‌های بی‌عینک! برای همه دیپلمات‌های اعتدال! قلب جای ریختن سیمان نیست! اما از ضعف بینایی... اما از دیدن ایرباس و ندیدن «قهرمان» اما از دیدن ایرباس و ندیدن که عمده همه طیاره‌های دنیا روی هم مگر چقدر می‌ارزد؟! ارزان فروختی کلاس «رئیس سازمان انرژی اتمی» را! در روز فرود فرود هم‌زمان یک فرزند غاز و یک دنیا عزت!

قهرمان یعنی قاسم سلیمانی و شیرجه‌های سپاه مقدس قدس قهرمان یعنی آن دلآوری که بیرون مرزها می‌جنگد تا دوباره اسکندر و چنگیز و صدام و لاله‌ها را واژگون نکنند! تاپوبکرالبغدادی فقط در خواب تهران را فتح کند! تاخرمشهر دوباره نخواهد آزاد شود! نه اتفاقا! من می‌خواهم سوار گران‌ترین هواپیما شوم! مالکیت و... هم مجال سخن نیست اما در روزهای آخر بحث عمدتاً درباره شیوه استقبال و جشن مقامات ارشد دولت بابت فرود یک فرزند ایرباس بود که دون‌شان و عزت دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران بود. اما مع‌الاسف باید گفت این رویکرد آقای رئیس‌جمهور در مخدوش جلوه دادن استدلال‌های منتقدان - که حقیقتاً دون‌شان مرتبت والای ریاست‌جمهوری اسلامی ایران است - مصداق تام و تمام توسل به مغالطه‌های است که در «منطق» به آن مغالطه «پهلوان پنبه» گویند؛ و آن زمانی رخ می‌دهد که افراد از رویارویی با حقیقت سخن و استدلال طرف مقابل مستأصل و درمانده شوند، برای مغلوب کردن آن از سر عجز روی به چنین دستاویز حقیری آورده، صورتی ضعیف و نحیف از آن سخن ارائه کرده، بعد هم می‌زنند به‌زعم خودشان داغانش می‌کنند و آن‌گاه سرمست از به خاک رساندن پشت این «پهلوان خیالی» کلی برای خودشان جیغ و دست و هورا می‌کشند که بعله! لیکن واقعیت چیز دیگری است و در این میان تنها کسی که زمین خورده همانی است که تاب مقاومت در برابر سخن مخالف را نداشته و از این‌رو به آن چنین مضمون ناصوابی نسبت داده است. در واقع کسی که حرفی برای گفتن ندارد نخست به «پنهانکاری» و «محرمانه‌سازی» روی می‌آورد، بعد هم پروژه «توهین» و «تحقیر» را «کلید» می‌زند؛ حال آنکه «تحقیر» و «تزویر» تنها «هم‌قافیه» با «تدبیر»ند، نه «هم‌قافیه» با آن!

مصاحبه و مغالطه...

سیده‌آزاده امامی

سر نحوه خرید هواپیما، تعداد و نوع هواپیماها و میزان هزینه تحمیل شده در نسبت با سایر نیازهای کشور بوده است؛ بحث بر سر آن است که اگر ادعا می‌شود «تحریم‌ها» بیش از همه به طبقات فرودست جامعه آسیب زده و در زندگی آنها خلل ایجاد کرده، آیا صواب در آن نیست که اگر اندک عایدی هم از ایسن برجام نافرجام قرار است حاصل شود هزینه‌کرد آن بیشتر معطوف به همان‌هایی باشد که از تحریم‌ها بیشترین ضرر را دیده‌اند، نه طبقی که الحمدلله دستش به دهانش می‌رسد (البته یقیناً مقصود از این سخن هم این نیست که همه کسانی که از هواپیما استفاده می‌کنند جزو اقشار پردرآمد و مرفه جامعه‌اند که صرفاً برای تفریح و خوش‌گذرانی سوار هواپیما می‌شوند، گفتم همینجا تصریح کنم تا مبدا فرودا روزی چنین تفسیری به ما نسبت ندهند!) درباره هزینه‌کرد غیرقانونی از صندوق توسعه ملی برای خرید هواپیما و الباقی وام‌ها و قرارداد و نوع مالکیت و... هم مجال سخن نیست اما در روزهای اخیر بحث عمدتاً درباره شیوه استقبال و جشن مقامات ارشد دولت بابت فرود یک فرزند ایرباس بود که دون‌شان و عزت دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران بود. اما مع‌الاسف باید گفت این رویکرد آقای رئیس‌جمهور در مخدوش جلوه دادن استدلال‌های منتقدان - که حقیقتاً دون‌شان مرتبت والای ریاست‌جمهوری اسلامی ایران است - مصداق تام و تمام توسل به مغالطه‌های است که در «منطق» به آن مغالطه «پهلوان پنبه» گویند؛ و آن زمانی رخ می‌دهد که افراد از رویارویی با حقیقت سخن و استدلال طرف مقابل مستأصل و درمانده شوند، برای مغلوب کردن آن از سر عجز روی به چنین دستاویز حقیری آورده، صورتی ضعیف و نحیف از آن سخن ارائه کرده، بعد هم می‌زنند به‌زعم خودشان داغانش می‌کنند و آن‌گاه سرمست از به خاک رساندن پشت این «پهلوان خیالی» کلی برای خودشان جیغ و دست و هورا می‌کشند که بعله! لیکن واقعیت چیز دیگری است و در این میان تنها کسی که زمین خورده همانی است که تاب مقاومت در برابر سخن مخالف را نداشته و از این‌رو به آن چنین مضمون ناصوابی نسبت داده است. در واقع کسی که حرفی برای گفتن ندارد نخست به «پنهانکاری» و «محرمانه‌سازی» روی می‌آورد، بعد هم پروژه «توهین» و «تحقیر» را «کلید» می‌زند؛ حال آنکه «تحقیر» و «تزویر» تنها «هم‌قافیه» با «تدبیر»ند، نه «هم‌قافیه» با آن!

دیدگاه

این نخستین باری نیست که رئیس دولت «اعتدال» برای از میدان به در کردن منتقدان متوسل به تخطئه و تخریب ایشان می‌شود. حالا دیگر «الطاف ارغوانی» آقای رئیس‌جمهور به شماره از انگشتان چند دست هم فراتر رفته و اگر در روزهای نخست استقرار دولت با لحاظ سخن ایشان جین مراسم تحلیف مبنی بر اینکه «خداوند!» به تو پناه می‌برم از استبداد رای، عجله در تصمیم، تقدم نفع شخصی و گروهی بر مصالح عمومی و بستن دهان رقبیان و منتقدان، «چنین ادبیاتی به گوشمان گران می‌آمد و انگشت حیرت به دهان می‌گریدیم، حالا دیگر این رویه استبداد عادی شده که اگر یک بار خلاف این شود عجیب می‌نماید و بسا می‌توان مشکوک شد که آفتاب از کدام طرف درآمده که جناب رئیس‌جمهور مهربان شده‌اند!

«عینک بزنید»، منطق عبیدی نیست از کسی که پیش از این هم متقدانش را به الفاظی نظیر «کم‌سواد» و «افراطی» و «حسود» و «بی‌شناسنامه» و «دنیاندیده» و «مستضعف فکری» و «بیسار و متوهم» و «بزدل» و «مقبلمانده» نواخته، و آنها را «سازه به دوران رسیده»های «عصر حجری» «کودک‌صفت» دانسته که «لزایم دارند» و اصلاً باید بروند «به جهنم»! اینها آنقدر عادی شده که حالا دیگر محل بحث ما نباشد! این هم بماند که یکی از وعده‌های انتخاباتی ایشان اصلاً «بازگرداندن اخلاق به ادبیات مسوولان» بود.

موضوعی که بیش از پرداختن به رویه تکراری مذکور شایسته دقت است، توجه به فاز دیگری است که ایشان در بیانات اخیر متشبه به آن شده است- امری که البته آن هم بی‌سابقه نبوده و پیش از این نیز بارها در دستور کار دولت فخیمه قرار داشته و به تناسب به بعضی مصادیق آن در همین روزنامه محترم اشاره کرده‌ایم- و آن رویکرد رئیس‌جمهور در تخطئه استدلال‌های منتقدان و نسبت دادن تفسیری ناصحیح و خلافواقع به دلایل ایشان است؛ آقای روحانی در مصاحبه روز سه‌شنبه در پاسخ به نقدهای مطرح نسبت به خرید هواپیما گفت: «نگار عده‌ای دوست دارند مردم سوار بر هواپیماهای کهنه شوند. اگر شما دوست دارید بروید سوار هواپیماهای کهنه شوید.» بدون تعارف باید گفت این نهایت بی‌انصافی در انعکاس نظر منتقد است! چه- هیچ‌یک از منتقدان نه چنین ادعایی داشته و نه منکر درستی و ضرورت خرید هواپیما و نوسازی ناوگان هوایی است، بحثی اگر هست همواره بر